

تأثیر پهلوی در به فساد کشیدن جامعه

مهدی رحمانی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

چکیده

در زمان پهلوی، حکومت بر این باور بود که یکی از عوامل عقب ماندگی ایران از کشورهای توسعه یافته فرهنگ ایرانیان است برای همین اقدام به تغییر فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی کردند که نتیجه آن به وجود آمدن فساد و فحشا در جامعه بود. پس از این اقدامات ضد اخلاقی علمای شیعه که خطر از بین رفتن اسلام را احساس کردند به تبیین سیاست ضد فرهنگی حکومت پهلوی پرداختند و در کنار مردم دست به اعتراضات گسترده ای زدند که منجر به انقلاب سال ۵۷ شد. اهمیت اقدامات پهلوی برای تغییر فرهنگ ایرانیان از دو جهت است: الف: تاریخ پهلوی درس بقائی است برای هر کشوری که قصد دارد در بین جامعه فرهنگی را بنیان گذاری کند _ ب: انسان با دانستن آن می تواند با عوامل ضد فرهنگی مقابله کند و فرهنگ ایرانی اسلامی جامعه خود را حفظ نماید. پهلوی و دستدارانش حتی پس از فروپاشی پهلوی از کارهای فساد زای خود پشیمان نشدند و قلم تحریف تاریخ را برداشته و شروع به بیان تاریخی کردند که واقع نشده است و از طرفی تاریخ تحریف شده توسط رسانه های خارج کشور منتشر می شود که باعث شده عده ای از مردم تصورات غیر واقعی از دوران پهلوی داشته باشند و همین مطلب دلیلی بر ضروره پژوهش در تاریخ پهلوی است. نتیجه و هدف از این نوشتار بررسی سیاست های تغییر فرهنگ توسط پهلوی بوده که تا اکنون پژوهشگران کمی به صورت منسجم در این موضوع قلم زده اند. روش گرد آوری مطالب به صورت کتابخانه ای است.

کلید واژگان: فساد، پهلوی، جامعه، دربار، فرهنگ، روحانیت، دین.

* دانش پژوه سطح ۱ حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان خمین.



مقدمه

در میان کتب تاریخ ایران صفحاتی است که حاکمان و قدرتمندان سعی داشته اند که جامعه را به فساد کشانده و قدرت تحلیل و تفکر را از جامعه سلب کنند تا نسل های آینده نسلی باشد فاسد تا بر علیه حکومت آنها قیامی رخ ندانده و در کمال آرامش به غارت مردم و کشور پردازند.

در زمان سلطنت خاندان پهلوی سیاست هایی در جامعه ایرانی اعمال شد که نتیجه ای جز فساد و فحشاء و مطیع شدن جامعه در مقابل حکومت استبدادی و دیکتاتوری پهلوی نداشت و در مقابل اعمال سیاست های ضد فرهنگ ایرانی اسلامی، مردم به رهبری روحانیت به مبارزه با حکومت و سیاست های ضد فرهنگی اش پرداختند.

خاندان پهلوی و دوست دارانش از سیاست های فساد زای خود دست نکشیده و شروع به قلم زدن، تحریف و تطهیر سیاست های پهلوی کردند برای همین استمرار قابل تحسین در به فساد کشیدن جامعه، جامعه ی فعلی در مورد خاندان پهلوی دودسته شده است یک دسته کسانی هستند که این خاندان را قبول دارند و دسته ای دیگر که مخالف هستند.

البته کم کاری در زمینه تاریخ پهلوی در ایجاد این دو دستگی بی تاثیر نبوده و همین خلاء لزوم پژوهش در این زمینه را میرساند و جزء نیاز های نسل فعلی و آینده می باشد (khamenei.ir/newspart-index?tid=3995) تا بتوانند از وقایع تاریخ درس گرفته و راه موفقیت را سریعتر طی کنند. (مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۷، ج ۲، مقدمه)

در گذشته نویسندگان محترمی در مورد فعالیت های پهلوی قلم زده اند ولی اینجانب ندیدم در مورد فعالیت های ضد فرهنگی پهلوی کتاب یا مقاله منسجمی وجود داشته باشد و به بیان و دسته بندی آنها پردازد یا اگر در این زمینه قلم زده اند فقط به یک بعد آن اهمیت داده اند برای مثال دکتر سید محمد حسین ابطحی که به دین ستیزی پهلوی پرداخته و فعالیت های ضد فرهنگی دیگر را ذکر نکرده است. (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۲۲)





لفظ «فساد» در این نوشتار در دو موضع استعمال شده است: ۱_ فساد قدرتمندان و کارگزاران حکومت که مقصود از آن دو معاناست: الف: انسانی قدرتمند از قدرت خود در جهتی استفاده کند که منفعت قدرتش به شخص خودش برسد نه مردم. ب: فساد اخلاقی و فکری ۲_ فساد در جامعه که به معنای وجود هر کار زشت و ناپسندی است مثل: دزدی، روابط نامشروع، اعتیاد، افزایش بی غیرتی و...

در این مقاله قصد داریم بخشی از سیاست‌های ضد فرهنگی پهلوی را برشمرده و درمورد آن توضیحاتی را ارائه دهیم.

تأثیر دربار در گسترش فساد

ساختار سیاسی حکومت رضاشاه مبتنی بر سه پایه اصلی: ارتش، بوروکراسی مدرن و پشتیبانی گسترده دربار بود. (یراواند ابراهیمان، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷)

فساد در دربار از آن جهت اهمیت دارد که بیشتر افراد تحت تأثیر جو جامعه و رفتار حاکمان آن هستند (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۲، ص ۸). محیط اگر فاسد و منافی اخلاق پسندیده باشد جامعه را فاسد میگرداند (بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ج ۲، ص ۱۹۱). بنا براین فساد دربار از دو جهت دارای اهمیت است: ۱_ حاکم جامعه بودن ۲_ عضوی از جامعه بودن.

قسمت عمده‌ای از اخلاق و تفکر جوانان و نوجوانان به واسطه تقلید از حاکمان جامعه و خانواده خود شکل می‌گیرد؛ اگر حاکم کشور بخواهد الگوی خوبی برای جامعه اش باشد باید بسترهای فساد خیز را جمع کرده و مسئولین کشور و خانواده خودش را از انجام فعالیت‌های فساد زا منع کند، ولی در حکومت پهلوی شاهد منع از فعالیت‌های فساد زا نیستیم که این قضیه دلیل بر این است که شاه خواستار آن بوده که بر جامعه‌ای فاسد حکومت کند و جامعه‌ی صالح را به فساد بکشانند.

نگرش اسلام به خانواده نگرشی اصیل است که خانواده اصل قرار داده شده و به هم زدن بنیان خانواده یا آشفته نمودن آن جزء بدترین کارهاست (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۲۹) با

مطالعه تاریخ پهلوی متوجه این موضوع میشویم که خانواده رضا شاه علاوه بر فساد داخلی خودش سعی بر این داشته که قلب تپنده ی جامعه یعنی خانواده را فاسد کند. فساد دربار را از چندین جهت می توان بررسی کرد:

قاچاق مواد مخدر توسط دربار

در آن روزها سعی بر این بود که فساد در بین جامعه رواج داشته باشد. دربار از جمله مهم ترین شرکای باندهای مواد مخدر در این کشور بود و مبارزه با مواد مخدر کاری نمایشی بود (farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۳۹۹۵). اشرف پهلوی خواهر شاه از رزم آرا بوسیله ابراز علاقه و تمایل جنسی به او می خواست تریاک حاصل از مزارع خشخاش اصفهان را به وسیله کامیون های ارتش به تهران منتقل کند (hamshahrionline.ir/news/۷۳۹۵۵۰).

باتوجه به فعالیت های فساد زای اشرف، شاه از خواهرش خواست که از کشور خارج شود چون مظهر فساد و زیاده روی های خاندان پهلوی شده بود (ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ۱۳۹۲، فصل اول) این در حالی است که اشرف را در فرودگاه سوئیس با چمدان پر از هروئین دستگیر کردند (farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۳۹۹۵).

فساد مالی

در زمینه فساد مالی بهترین دلیل این است که وقتی درباریان از این کشور رفتند، میلیاردها دلار از ثروتشان در بانکهای خارجی انباشته شده بود (همان). مأموران گمرک در سراسر اروپای غربی و آمریکای شمالی با وضع عجیبی روبرو شدند چون نمی توانستند قیمت اشیاء گرانبهایی که وارد کشورشان میشود را ارزیابی کنند. تقریباً هر ثروتمندی در ایران ناگهان خواستار انتقال تلگرافی ثروتش به بانک های خارجی شده بود که باعث شد کارمندان بانک مرکزی دست به اعتصاب زده و از ارسال هرگونه تلکسی خودداری کنند و اسنادی را منتشر کردند که دو تن از برادرزادگان شاه و یکی از امرای ارتش مبلغ ۴/۲ میلیارد دلار به بانکهای خارج انتقال داده اند (ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ۱۳۹۲، ص ۱۹).





هویدا به برادر خود میگوید: «اگر نظام سلطنتی سقوط نماید، تقصیر عمده برعهده خانواده شاه است. در دربار مسابقه غارتگری است» (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳).

وقتی وزیر و مسئولین بلند پایه حتی خود شاه از بیگانگان رشوه بگیرد حال باقی مردم مشخص است؛ حکومت پهلوی علاوه بر تلاش جهت به فساد کشیدن جامعه دستگاه‌های دولتی را به صورت عمدی فاسد میکردن (-farsi.khamenei.ir/newspart-(index?tid=۳۹۹۵).

فساد مالی پهلوی در اندازه‌ای بود که سازمان سیا در گزارشی می‌نویسد: «اخیراً توجه شاه به یکی از معاملات اشرف جلب شده بود که اگر جزئیات این معامله علنی شود به دلیل رقم بالای سوء استفاده مالی بازتاب منفی خواهد داشت که شاه به این گزارش توجهی نکرد. رئیس بانک می‌گفت: اگر کسی دیگر جز اشرف این کار را کرده بود، ۱۰ سال حبس می‌کشید» (عباس میلانی، معمای هویدا، ۱۳۸۰، ص ۳۴۷) و اگر برای حل مشکلات مردم بودجه‌ای خرج میشد کسی به دنبال بهره‌برداری از آن نبود و صرفاً پول‌هایی خرج میشد برای مثال توزیع برق تهران دچار اختلال بود و ابزار اصلاح این مشکل خریداری شده بود ولی کسی به سراغ آنها نمی‌رفت (نهادوندی و ایوبوماتی، محمد رضا پهلوی آخرین شاهنشاه، ۱۳۹۲، ص ۶۱۹).

ایجاد اختلاف طبقاتی در جامعه

باتوجه به فسادهای مالی که ذکر شد طبیعی است که در کشور شکاف طبقاتی ایجاد شود. در تهران هزاران کارگر ساختمانی روزهای خود را صرف ساختن ویلاها و حتی کاخ‌های مجلل برای ثروتمندان می‌کردند و شب‌ها را در کلبه‌های گلی یا حفره‌هایی در زمین می‌گذراندند و عده کمی از مردم از اوضاع راضی بودند هیچ‌گونه اعتمادی بین دولت و مردم وجود نداشت. پارسونز می‌گوید: «جای شگفتی نیست که مردم به سوی رهبران سنتی خود یعنی روحانیون روی آورند» (ویلیام شوکراس، آخرین سفرشاه، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

حاکم کشور زمانی مشکلات جامعه را درک می‌کند که مثل مردم زندگی کند در حالی که خاندان پهلوی مثل مردم زندگی نمی‌کردند، پشت دیوار های بلند دارای نگهبان و حسگر الکترونیک زندگی میکردند و از وضع مردم خبر نداشتند که این جدایی از مردم باعث ایجاد فساد در دستگاه های دولتی و منجر به شکاف طبقاتی میشود(همان، ۳۹). یکی از علت های اصلی شکاف طبقاتی در حکومت پهلوی وجود افرادی بود که زمین های حاصل خیز را غصب کرده و در سلطه خودشان قرار می‌دادند، زمین هایی که درآمد اصلی مردم آن منطقه از همین زمین ها بوده است برای مثال منطقه اسفراین با این همه استعداد در دست پهلوی بود(-farsi.khamenei.ir/newspart- (index?tid=۳۹۹۵).

فساد جنسی

اشرف پهلوی دائم سخن از خیانت احمد شفیق، شوهر دومش را بازگو می‌کرد در عین حال خودش معشوقه‌های متعددی داشت، یکی از آنها رزم آرا بود که نامه‌هایش را کاوه بیات منتشر کرده که هشت نامه است که در آنها به رزم آرا اظهار علاقه می‌کند اما این عشق و علاقه رویه دیگری هم داشت که در بحث مواد مخدر به آن پرداختیم. رزم آرا به وابسته سفارت انگلیس در تهران گفته بود که اشرف پهلوی خیلی مزاحم من می‌شود(hamshahrionline.ir/news/۷۳۹۵۰).

فردوست اشرف را فاسد ترین زن جهان می‌داند و می‌نویسد: «اگر قرار شود لیست مردانی که با اشرف رابطه داشتند تهیه شود قطعاً لیست بلندی خواهد شد. اشرف زنی معتاد، قاچاقچی مواد مخدر، عضو مافیای آمریکا، بیمار جنسی و زنی که به قول خودش اگر هر شب یک مرد تازه نبیند خوابش نمی‌برد» (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۲).

فساد در دربار انقدر زیاد بود که هویدا چندین بار به شاه تذکر داده که اگر بناست با فساد مبارزه شود بایستی این کار را از خانه خود آغاز کند(موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳).





سیا در مورد فساد دربار مینویسد: « دربار مرکز هرزگی و شرارت و فساد و رقابتهای مبتذل بود» (ویلیام شوکراس، آخرین سفرشاه، ۱۳۹۲، ص ۹۴).

فریده فرجام نویسنده‌ای که کتابش در کانون پرورش فکری به چاپ رسید در گفت‌وگویی با «خبرنامه کانون» در مورد فساد دربار می‌گوید: « به تدریج مشکلاتی پیش آمد که از همه نگران کننده تر این بود که فساد دربار به محیط فرهنگی کانون کشیده شده بود» (kayhan.ir/fa/news/۶۲۹۱۲).

اقدامات ضد قانونی پهلوی

تمام افراد جامعه باید در مقابل قانون یکسان باشند این بدین معناست که اگر حاکمان کشور هم بخواهند از قانون سر پیچی کنند محاکمه میشوند ولی در دوران پهلوی قانون برای خاندان پهلوی ثابت نبوده و هر جایی نیاز بود تغییری به نفع خودشان انجام میدادند که این سوء استفاده از قدرت توسط حاکمین کشور باعث افزایش جرم در دل جامعه میشود.

حاکمان کشور به عنوان الگو و حاکم باید به قانون متعهد باشد و به ان احترام بگذارد تا مانع افزایش جرم و فساد در جامعه باشد در حالی که در زمان پهلوی شاهد احترام به قانون و تعهد به انجامش توسط حاکمان نیستیم.

همانگونه که ذکر شد بدون هیچ اجازه قانونی بیت المال را از کشور خارج کردند و برای مقاصد شخصی از آن استفاده کردند.

طبق قانون اساسی باید مادرشاه ایرانی الاصل باشد و برای اینکه پس از تولد ولیعهد اشکالی نباشد مجلس شورای ملی اقدام به تفسیر قانون اساسی نمود و به ملکه فوزیه صفت ایرانی الاصل داده شد (مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۵۴).

قانون اساسی هم برده و زیر جراحی رژیم پهلوی بود؛ قانون اساسی زیر چکمه‌های رضا خان و زیر برق نگاههای مأموران رضاخانی بود (farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۳۹۹۵).

رعایت نکردن قانون فقط در قانون اساسی نبود بلکه به دانشگاه هم رسیده بود، حسینعلی امیراجمند که دارای مدرک تحصیلی عالی و استاد فیزیک دانشگاه تهران بود،

با داشتن انحرافات اخلاقی و عدم صلاحیت علمی با تکیه به موقعیت همسرش لیلی مشاغل عالی در دانشگاه تهران به دست آورد و در سال ۱۳۵۷ رئیس دانشگاه فرح پهلوی شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، لیلی امیرارجمند، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

نبود مهر و محبت در خاندان پهلوی

برای شناخت شخصیت و تفکر هر شخصی اول باید خانواده وی را شناخت زیرا انسان در محیط خانواده شخصیتش شکل میگیرد. بنابراین شناخت خانواده پهلوی برای شناخت نقش شاه در فرهنگ جامعه لازم است.

زندگی سعادت‌مندان در صورتی برای بچه‌ها حاصل میشود که آرامش و سکونت در خانواده باشد و گرنه فرزندان آن خانواده دارای عقده میشوند (farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۴۲۹)

(این در حالی است که در خانواده پهلوی شاهد بی‌مهری‌هایی نسبت به هم هستیم. رضا شاه میگوید: «من یک سرباز لخت و عور و گرسنه بودم هرگز محبت پدر و مادر را ندیده‌ام و هیچکس به من محبتی نمی‌کرد» (مصطفی‌الموتی، ایران در عصر پهلوی، ج ۱، مقدمه).

اشرف هیچ انتظار محبتی از پدر و مادر خود نداشت و دوران کودکی خود را بیشتر تنها گزرانده و احساس بیگانگی بودن داشته است (من و برادرم ص ۳۲ و ۵۱ به نقل از: hamshahrionline.ir/news/۷۳۹۵۵۰).

در خانواده‌ی بدون مهر و محبت فرزندان با صلابت و صلاحیت حکومت‌داری رشد نمی‌کنند بلکه انسان‌هایی خودشیفته هستند که در ظاهر انسان‌هایی شکیل ولی در باطن فاسد و غیر قابل استفاده.

اقدامات ضد دینی پهلوی

حکومتی که سعی در حذف عوامل ضد فساد داشته باشد خود مروج فساد است. یکی از عوامل ضد فساد در ایران دین و دینداری مردم است زیرا دین مخالف سوء استفاده از قدرت جهت منافع شخصی و ترویج فساد در جامعه است.





اقدام به حذف و کمرنگ کردن دین یعنی هموار کردن مسیر برای گسترش فساد. حاکم جامعه قدرت مدیریت محیط جامعه را دارد، محیط یعنی مجموعه ای از انسانها و آثار آنها که هر فردی خواه نا خواه با آنها مواجه است. محیط اگر فاسد و منافی اخلاق پسندیده باشد، اخلاق افراد را فاسد می گرداند (بنیاد علمی فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ج ۲، ص ۱۹۱).

پس از شکست انقلاب مشروطه علما به این نتیجه رسیدن که یکی از دلایل اصلی شکست انقلاب مشروطه دور بودن طلاب از پایتخت کشور هست بنابراین با درخواست از ایت الله حائری اقدام به تاسیس حوزه علمیه قم کردن که این آغاز پر افتخار حوزه علمیه قم مصادف با آغاز سلطنت خاندان پهلوی بود که باعث شد همیشه گوشه ای از تاریخ ایران نزاع بین پهلوی و حوزه های علمیه باشد (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۳۹ و ۴۰)

در اوایل تاسیس حوزه علمیه قم گروه کثیری از علمای عتبات به انتقاد از ملک فیصل پرداختند که باعث شد تعدادی از آنها تبعید شوند و وارد قم شوند از جمله آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ مهدی خالصی، سید علی شهرستانی، سید عبدالحسین محب و میرزا محمد حسین نائینی. این مهاجرت باعث شد قم مرکز تشیع شود و باعث افزایش قدرت روحانیت و افزایش اختلاف بین آنها و حکومت پهلوی شود (همان، ص ۴۲).

علمای اسلام هر حکومتی را که بدون اذن ولی زمان یا نایب آنها ایجاد شود را غیر قانونی دانسته و وجود آن را بدون مشروعیت و باعث تضعیف اسلام می دانستند و مردمی که روحانیت را رهبر مذهبی خود میدانستند به پیروی از روحانیت به مخالفت با حکومت پهلوی می پرداختند (ویلیام شوکراس، آخرین سفرشاه، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳).

اقدامات ضد دینی پهلوی بدین شرح است:

کم کردن قدرت روحانیت

اوایل کار رضاشاه تا وقتی که به سلطنت رسید از پشتیبانی روحانیون برخوردار بود ولی بعد از قدرت روحانیون کاست؛ در زمان محمد رضا پهلوی روحانیون شروع به

کسب قدرت کردن تا حدی که در سوء قصد به شاه و ملی کردن نفت و مبارزه با انقلاب سفید روحانیت دست داشته اند(همان، ص ۱۱۴).

پس از حمله رضا شاه به قدرت روحانیت که به معنای کاستن قدرت دین است امام خمینی فرمودند: «اسلام دینی سیاسی بوده و نباید آن را محدود کرد کما اینکه بیشتر کار رسول خدا مبارزه با جباران بوده است نه نماز و دعا» (همان، ۱۱۵).

رضا شاه اصلاحات نامنظمی را در کشور انجام داد که هدفش ساخت جامعه ای شبیه به غرب بود و راه رسیدن به این هدف دین زدایی جامعه، مبارزه با قبیله گرایی، ملی گرایی، توسعه آموزشی و سرمایه داری دولتی بود. علاوه بر این مساجد اصلی اصفهان را به روی جهانگردان گشوده تا فرهنگ غربی را در بین مردم رواج داده و به دانشکده های پزشکی دستور داد که حرمت کالبد شکافی میت مسلمان را نادیده بگیرند(مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶ / یراواند ابراهیمان، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵).

محمد رضا نیز به وسیله انقلاب سفید سعی در کم کردن قدرت مخالف اصلی ترویج فساد یعنی روحانیت و مرجعیت داشت(ویلیام شوکراس، آخرین سفرشاه، ۱۳۹۲، ص ۴۴). یکی از مخالفین اجرای انقلاب سفید و انتشار فساد و فحشا در جامعه وجود قوم های مختلفی بود که با گذشت سال های طولانی صاحب فرهنگ هایی زیبا و غنی شده بودن، شاه با تفرقه افکنی و ایجاد اختلافات و تبعید و زندانی کردن بزرگان قبیله ها مانند سردار اسعد قدرت این قبیله ها را کم کرده و سعی در به فساد کشیدن این قوم ها و تخریب فرهنگ غنی آنها داشت(یراواند ابراهیمان، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶). پهلوی تنها قدرت سیاسی علما را کم نکرد بلکه دولت با تصرف موقوفات قدرت مالی روحانیت را نیز سلب کرد(موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

تلاش برای انتقال مرجعیت از ایران به نجف

بعد از فوت ایت الله بروجردی در قم علمای شاخصی مثل ایت الله شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی و خمینی و در عراق ایت الله سید محسن حکیم بود که شاه



پیام تسلیت را به آقای حکیم در عراق تلگراف کرد که این به بعنای پایان مرکزیت شیعه در ایران بود (عرفان قانعی فرد، در دامگه حادثه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۴).

ضرب و شتم و قتل علما

رضاشاه از آیت الله آقازاده خواسته بود که کشف حجاب را جایز بداند تا به موقعیت سابق در خراسان بازگردد ولی او نپذیرفت و سرانجام در دی ماه ۱۳۱۶ به وسیله پزشک احمدی به شهادت رسید (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۳۵). ضرب و شتم شیخ محمد بافق از دیگر رفتارهای غیر اصولی دربار است (همان، ص ۳۴).

سلطنت پهلوی برای انجام سیاست های ضد فرهنگی خود مخالفان خود را به واسطه زندانی کردن و تبعید کردن حذف کرد و تبدیل به یک نظام بله قربان گو تبدیل شد (مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵) و مخالفین را محاکمه می کرد در حالی که در دادگاه حاضر نبودن که این نوع محاکمه مبنای کار ساواک شده بود (عرفان قانعی فرد، در دامگه حادثه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۸).

تغییر فرهنگ اسلامی مردم

پس از شوک نفتی اول حکومت مخالفت خود را با دین به صورت اشکار ابراز کرد برای مثال تغییر تاریخ از هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی، آزادی بدون حد و حصر مطبوعات در راستای تخریب ارزشهای اسلامی و گسترش فساد و فحشا در غالب جشنهای هنر را میتوان از مظاهر اقدامات فوق برشمرد (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵).

مبنای حکومت رضا شاه حکومتی بر پایه سکولاریزم و ناسیونالیسم باستان گرا بود که این تفکر باعث نادیده گرفتن نقش علما و وضع قانون تغییر لباس روحانیت شد (همان، ص ۳۰).

در مبارزه با فرهنگ اسلامی، حکومت پهلوی اقدام به تاسیس فرهنگستان زبان فارسی کرد که قصد داشت تمامی حروفی که از اسلام در بین مردم رواج داشت و شعرا در قرون



متممادی استفاده کرده بودن را حذف کرده و الفاظ جدیدی را در بین جامعه رواج دهند (همان ۲۹).

نفوذ بیگانگان در دوران پهلوی و تأثیر آن در فرهنگ جامعه

فرهنگ جامعه از باورهای آن جامعه نشأت میگیرد، فرهنگ جامعه را در صورتی میشود تغییر داد که باور جامعه دچار تغییر شود.

در زمان شاه عقاید و باور مردم ایران، اسلامی بود و تغییر در عقاید یعنی عملی مخالف با اسلام، اسلامی که از اساس مخالف فساد است.

پروفسور پوپ چنین مینویسد: «ما خارجی ها خیال میکردیم که با سیاست میتوان سرنوشت ایران را تغییر داد ولی این واقعیت را نادیده گرفته ایم که ایرانیان دارای خصلتی هستند که در طول تاریخ توانسته اند خود را در مقابل تغییرات شدید حفظ نمایند و هیچ کس نمی تواند باور کند ایرانی چگونه خودش را از هر بلائی نجات میدهد» (مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۳۴۵).

خارجی ها میخواستند با ریشه کن کردن عقاید ضد فساد، فساد را در بین مردم رواج دهند.

وقتی فردی با شرط احراز صلاحیت یک مسولیتی را میگیرد تمام تلاشش را میکند تا خودش را اثبات کند، محمد رضا پهلوی دست نشانده ی اجنبی بود با شرط احراز صلاحیت، برای همین حاضر بود برای خوش رقصی جلوی اربابان بیگانه اش تاریخ ایران و فرهنگش را نابود (مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۸).

در میان کشورهای دارنده نفت مهمترین کشوری که در تحریم اعراب شرکت نمود ایران بود زیرا شاه دست نشانده اجنبی بود و باید موافق سیاست های آنان و مخالف اعتقاد و درخواست مردم عمل کند تا تأید صلاحیت شود و به پادشاهی ادامه دهد (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سقوط، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰).

از جمله خدمات پهلوی به اجنبی ها اجازه فعالیت سرویس های جاسوسی از جمله موساد در ایران به جهت انتقال یهودیان ایران و عراق به اسرائیل بود، درحالی که مردم و



علمای کشور با تشکیل کشوری به اسم اسرائیل مخالف بودن (ویلیام شوکراس، آخرین سفرشاه، ۱۳۹۲، ۸۴).

دولت پهلوی از لحاظ داشتن وسایل اجبار قدرتمند بود ولی از آن جهت که نتوانست وسایل و نهادهای اجبار را بر ساختار طبقاتی و پایگاه اجتماعی مبتنی کند ضعیف بود زیرا اصلاً به جامعه اهمیت نمیداد (یراواند ابراهامان، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷).

تأثیر لیلی امیر ارجمند در فرهنگ جامعه

زندگی لیلی امیر ارجمند از دو جهت دارای اهمیت است:

تفکر و نقش لیلی در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان

در زمان پهلوی و پس از ایجاد مکاتب الحادی و مادی مانند کمونیسم، برخی از افراد جذب این مکاتب شدند.

یکی از دوستان فرح پهلوی لیلی امیر ارجمند بود که گرایش به چپ و کمونیستی داشت و حسین دلرم درباره او میگوید: «لیلی امیر ارجمند با وجود ارتباط نزدیک با دربار شاه دست از ایدئولوژی خود برنداشت و به کمونیسم بین المللی وفادار بود».

پس از ازدواج فرح دیبا با شاه، لیلی امیر ارجمند نیز به واسطه وی مسول کانون پرورش فکری کودک و نوجوان شد و با حمایت فرح دیبا، کانون را محلی برای ترویج مکتب الحادی و کمونیسمی کرده بود.

حمایت فرح دیبا از لیلی در حدی بود که ساواک طی نامه ای به شاه اطلاع داد که امیر ارجمند در حال ترویج تفکر چپ هست و باید با او برخورد شود. اما فرح شخص شاه را چنین توجیح کرد که اشاعه بخشی از مطالب مارکسیسم باعث تحکیم پایه های حکومت میشود. با حمایت فرح و فعالیت های امیر ارجمند روشنفکران مارکسیسم نیز جذب کانون شدند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، لیلی امیر ارجمند، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

جاسوسی لیلی امیر ارجمند

بر اساس شواهد تاریخی لیلی علاوه بر تفکر کمونیسمی یک جاسوس هم بوده است به صورتی که هدیه هایی را از سفارت چکوسلواکی برای او ارسال شد برای مثال بستهایی



با محتوای ظروف کریستال به وزن ۱۵۰ کیلوگرم از پراگ به آدرس سفارت چکسلواکی در تهران برای خانم امیرارجمند فرستاده شده بود و ۴۸ تماس با سفارت چکوسلواکی داشته است و با یری هگر ارتباط نزدیک و دارای جنبه های خصوصی داشته است و مظنون برای فعالیت برای شوروی بوده است (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۳۸۶، چ ۲۱، ص ۴۴۴).

نقش سینمای زمان پهلوی در به فساد کشیدن جامعه

رسانه در زمان پهلوی از دو جهت دارای اهمیت است: ۱- رسانه در خدمت سیاست مداران است و نظام های سیاسی در پی به خدمت گرفتن رسانه هستند (مریدی و فراهانی، جاهل های سینما، مجله هنرهای زیبا ۱۴۰۲، دوره بیست و هشتم) ۲- رسانه در تغییر فرهنگ جامعه بسیار تاثیر گزار است (امیر شفقی، نقش سینما در انقلاب ایران، ۲۰۲۱، چ ۲، ص ۱۸).

سینما در تحولات عظیم دهه ۴۰ تاثیر خود را نشان داده و سیاست مداران حکومت پهلوی پی به قدرت ان بردند برای همین با ساخت فیلم که داری محتوا هایی همچون مثلث عشق، صحنه های سکسی، رقص، درخواست مردان برای ازدواج با زنان بدکاره، هیزی و چشم چرانی مردان، تجاوز، اغفال شدن دختران و ترغیب به فریب نامزد دیگران سعی داشته اند جامعه را به فساد بکشند (همان ۵۶ و ۵۷) و تضاد با فرهنگ ایرانی اسلامی ایجاد کنند، مینی ژوب و دانسینگ و هیپیسیم از جمله تاثیرات سینمای زمان پهلوی روی جامعه دهه ۴۰ است (همان ۱۵) علاوه بر ترویج فرهنگ ضد اسلامی ایرانی احکام فقی را مورد تمسخر قرار میدادند برای مثال در فیلم های محلل و زن یک شبه احکام الهی را مورد تمسخر قرار داده اند (۳۴) و به صحنه های برهنه و سکسی بسنده نکرده و از دیالوگ ها نیز جهت تخریب دین استفاده کرده اند برای مثال در فیلم جوجه فکلی شهناز تهرانی به شیرین جزایری توصیه میکند برای به دست آوردن دل پدر خود چند روزی را به صورت نمایشی مشغول نماز و دعا شود (همان ۳۳).





سینما در آن زمان کاملاً مرد سالار بوده و تمام ستاره‌های داستان مرد بودند در این میان نمایش آن همه ازادی غیر واقعی برای زنان تناقضی با اصل سینماست البته این تناقض از روی عدم آگاهی نبوده و برای ریشه کن کردن دین انجام شده است (همان ۵۹).

تأثیر فعالیت‌های ضد فرهنگی پهلوی در جامعه

در پی اعتراض امام خمینی به پوشش زنان در ۱۶ اسفند ۱۳۵۷ هزاران زن به خیابان‌ها آمدن که تظاهراتی ضد حجاب به حساب می‌آمد که میان معترضین و مذهبی‌ها درگیری به وجود آمد که منجر به زد و خورد شد (فریدون قاسمی، جمهوری اسلامی از بازرگان تا روحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۴). در زمانی که انسان با افکار مذهبی در صدر حکومت هستن و قوانینی را اعمال میکنند که مطابق آیات و روایات است عده‌ای از زنان بی حجاب دست به نافرمانی و اعتراض زدن؛ نافرمانی یک کارمند یا یک وزیر عادی نبود بلکه نافرمانی رهبری بود که تازه به مستند حکومت رسیده بود. این نافرمانی در صدر انقلاب از روی ترویج بی حجابی در جامعه است چرا که بی حجابی تبدیل به عرف و روش زندگی برخی از افراد شده بود و این در حالی است که بی حجابی و فساد در جامعه در صورتی ایجاد میشود که از طرف حاکم جامعه قانون و مخالفتی در مقابل افزایش فساد نباشد.

نتیجه‌گیری

اقداماتی که ذکر شد گوشه‌ای از فرایند تبدیل فرهنگ ایرانی اسلامی به غربی بود که این اقدامات ننگ بزرگی است که همیشه در کنار اسم پهلوی ذکر خواهد شد. حذف و کم کردن قدرت علما و ترویج اعتیاد و فساد در بین جامعه از جمله اقدامات پهلوی بود.

با توجه به روش تغییر فرهنگ جامعه در دوران پهلوی انسان متفکر و وقت شناس میتواند جامعه خود را از تهاجم و تغییر فرهنگ نجات دهد و به قول دکتر عبدالحسین زرین کوب: «آنچه برای مورخ اهمیت دارد آن نیست که این انسانها چگونه مرده اند آن است که آن‌ها چگونه زیسته اند» و فهم و درک زیست آنها باعث کشف راز موفقیت می‌شود (مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ۱۳۶۷، ج ۲، مقدمه).



فهرست منابع

۱. بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری، «حکمت‌ها و اندرزها»، تهران، صدرا، بی‌تا.
۲. فردوست، حسین، (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی)، چ ۲۱، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۶
۳. قاسمی، فریدون، (جمهوری اسلامی ایران: از بازرگان تا روحانی)، چ ۱، اچ انداس مدیا، لندن، ۱۳۹۵
۴. قانعی فر، عرفان، (دردامگه حادثه/ بررسی علل و عوامل فروپاشی حکومت شاهنشاهی گفتگو با پروژ ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک)، چ ۱، شرکت کتاب، ۱۳۹۰
۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴
۶. محمدرضا مریدی و مجتبی شاهواروقی فراهانی، (جاهل‌های سینما کارکرد سیاسی و اجتماعی سینمای کلاه‌مخملی در پهلوی دوم)، هنرهای زیبا، ۱۴۰۲، دوره بیست و هشتم، شماره ۲
۷. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (لیلی امیرارجمند زنان دربار به روایت اسناد ساواک)، ۱۳۸۳
۸. مریدی محمدرضا و شاهواروقی فراهانی، (جاهل‌های سینما کارکرد سیاسی و اجتماعی سینمای کلاه‌مخملی در پهلوی دوم)، هنرهای زیبا، ۱۴۰۲، دوره ۲۸
۹. مصطفی الموتی، (ایران در عصر پهلوی)، ج ۱، چ ۲، پکا، لندن، ۱۳۶۹
۱۰. مصطفی الموتی، ۱۳۶۷، ایران در عصر پهلوی، ج ۲، چ ۲، لندن، پکا
۱۱. ممبینی، علی، (رضاشاه از نگاهی دیگر)، پژوهندگان راه دانش، اهواز، ۱۴۰۱
۱۲. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، (سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی)، نخستین، تهران، ۱۳۸۲
۱۳. میلانی، عباس، معمای هویدا، اختران، تهران، ۱۳۸۰
۱۴. نقش سینما در انقلاب ایران، امیرشغقی، چ ۲، ۲۰۲۱، worldwide twilight
۱۵. ویلیام شوکراس، (آخرین سفرشاه)، ترجمه عبد الرضا هوشنگ مهدوی، ذهن اویز، تهران، ۱۳۹۲
۱۶. همان، ۱۳۶۸، (پهلوی دوم در فراز و نشیب)، ج ۴، لندن، پکا



۱۷. هوشنگ نهاوندی و ایوبماتی، (محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه)، ترجمه نهاوندی، شرکت کتاب، انتشار به زبان فارسی ۱۳۹۲
۱۸. یرواند آبراهیمان، (ایران بین دو انقلاب در امدی برجامه شناسی سیاسی ایران معاصر)، ترجمه احمد گل محمدی، چ ۱۱، تهران، غزال، ۱۳۷۷
۱۹. پایگاه مقام معظم رهبری: khamenei.ir
۲۰. پایگاه همشهری: <https://www.hamshahrionline.ir>، تاریخ مشاهده: ۱۱/۳/۱۴۰۳
۲۱. پایگاه جامع شهید مرتضی مطهری:
<http://morteza motahari.com/fa/default.html>
۲۲. پایگاه مرکز بررسی اسناد تاریخی: <https://historydocuments.ir>
۲۳. پایگاه کیهان: <https://kayhan.ir>، تاریخ مشاهده: ۱۷/۳/۱۴۰۳

